

بِسْمِ

تَعَالَى



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده ادبیات زبانها و تاریخ
گروه تاریخ

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
در رشته تاریخ ایران بعد از اسلام

عنوان
قراختایان کرمان
(۷۰۳-۵۶۱۹ ق) (۱۳۰۳-۱۲۲۲ م)

استاد راهنما
دکتر اسماعیل حسن زاده

استاد مشاور
دکتر مهدی فرهانی منفرد

دانشجو
صدیقه سهرابی

مهر ۱۳۸۸

تقدیر و تشکر

بعد از حمد و سپاس خداوند متعال که بار دیگر به من توفیق قرار گرفتن در محیط علم و دانش را عنایت فرمود، از اساتید محترم جناب آقای دکتر حسن زاده استاد محترم راهنما و آقای دکتر فرهانی منفرد استاد ارجمند مشاور که در انجام این پژوهش مرا یاری فرمودند کمال تقدیر و تشکر را دارم

از سرکار خانم احمدی و آقای دکتر یوسفی فر که زحمت داوری پایان نامه را به عهده داشتند تشکر می کنم.

و همچنین با تشکر از مسوولین کتابخانه های هرنندی (وابسته به آستان قدس) و کتابخانه مرکز اسناد کرمان که نهایت همکاری را با اینجانب داشتند و با تشکر از سرکار خانم رستگار و سایر دوستانم که در به اتمام رساندن کار یاریگر من بودند و در پایان از صبوری و همراهی سه سال همسر و فرزندانم سپاسگزارم و این پژوهش را به آنان تقدیم می کنم.

چکیده:

نابسامانی سیاسی، بحران های اقتصادی ناشی از فحطی، کم بارانی، ناامنی اجتماعی ناشی از تکاپوهای راهزنان و دزدان و مهمتر از همه فرهنگ اطاعت پذیری مردم از قدرت غالب موجب می شد تا هر قدرت غالبی در هر منطقه ای که بخواهد پایه های حکومت خود را بنیان گذارد.

آشوب های سیاسی، نظامی ناشی از تهاجم مغول موجب گردید، زوال حکومت خوارزمشاهی زودتر از موعدمقرر برسد. در این دوره خوارزمشاهیان تازه به اوج قدرت رسیده بودند. براق حاجب یکی از امیران قدرت طلبی بود که توانست از خلاء قدرت برتر سیاسی، نظامی در منطقه استفاده کرده، حکومت خود را در کرمان بنا بگذارد. او برای نیل به مقصود خود یعنی استقرار و تثبیت حکومتش در عرصه سیاست خارجی به مغولان و خلیفه نزدیک شده برتری نظامی مغولان را پذیرفت. پرداخت خراج، علوفه و نزل را قبول کرد و مانع ورود آنها به کرمان گردید. و در بعد اقناع توده ها نیز با پذیرش رهبری معنوی خلیفه آنها را به پذیرش حکومت خود واداشت. براق حاجب سعی کرد دو اصل اساسی و دو نیاز مهم جامعه یعنی تأمین امنیت و برقراری عدالت را به اجرا در آورد و با استفاده از این دو اصل پایه های حکومتی را گذاشت که در کانون های بحران ها بیش از هشتاد سال دوام آورد.

جانشینان او نیز هر کدام با توجه به توانمندیهای خود سیاست های فوق را ادامه دادند. حال این پایان نامه به دنبال تبیین و توصیف عوامل اساسی استحکام پایه های حکومت قراختایی در کرمان است. پاسخ به این پرسش راباروش توصیفی در قالب این فرضیه تبیین می کند که اقدامات اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و تلاش های سیاسی آنان همگی در جهت تأمین دو نیاز اساسی جامعه یعنی امنیت و عدالت طراحی و اجرا گردید. البته این سخن بدین معنی نیست که تمامی دوره هشتاد و چند ساله حکومت آنها روندی رو به صعود داشته و بلکه این روند همچون سایر روندهای تاریخی با فراز و نشیب همراه بوده است. دریک چارچوب کلی آنها توانستند با تداوم محورهای چهارگانه فوق قدرت خود را تثبیت کنند. اقدامات اقتصادی آنها رونق تجارت و کشاورزی را به دنبال داشت به طوری که کرمان راه تجارتهای مهمی به خلیج فارس، دریای عمان و هندوسند شد. اقدامات عمرانی به بازسازی جاده ها، ایجاد دارالایتم و دارالشفا، کاروانسراها و لایروبی قنات ها انجامید. اقدامات فرهنگی آنها از تأسیس مدرسه و مسجد و کتابخانه به نزدیکی علما با حکومت قراختایی و ایجاد رابطه دقیق بین حکومت و مردم انجامید و اقدامات سیاسی شان نیز به ایجاد امنیت و توسعه قلمرو منجر شد.

واژه های کلیدی: کرمان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، قراختائیان، ایران.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه.....

بخش اول قراختائیان کرمان

فصل اول: مبانی نظری تحقیق

۱۲	۱-۱. مسأله پژوهش.....
۱۳	۲-۱. پرسش های پژوهش.....
۱۳	۳-۱. فرضیات پژوهش.....
۱۳	۴-۱. پیشینه پژوهش.....
۱۶	۵-۱. هدف پژوهش.....
۱۶	۶-۱. نقد منابع.....

فصل دوم: کرمان در قرن پنجم و ششم هجری

۱۹	۱-۲. سلجوقیان کرمان.....
۲۲	۲-۲-۱. اوضاع اداری، مذهبی و اقتصادی سلجوقیان.....
۲۶	۳-۲. کرمان در دوره ترکان غز.....
۲۷	۴-۲. کرمان در دوره خوارزمشاهیان.....

فصل سوم: ترکان ماوراءالنهر (قراختائیان و قراخانیان)

- ۳-۱. ایلک خانیان (قراخانیان) ۳۲
- ۳-۲. قراختائیان واستقرارآنان در آسیای مرکزی ۳۳
- ۳-۳. قراختائیان و رابطه بادولت های ترک تبار ایران ۳۹
- ۳-۴. انقراض قراختائیان ماوراءالنهر ۴۴
- ۳-۵. فرهنگ و تمدن قراختائیان ۴۷

فصل چهارم: حکومت قراختائیان کرمان از تاسیس تا فروپاشی

(۷۰۳-۵۶۱۹ ه.ق) (۱۳۰۳-۱۲۲۲ م)

- ۴-۱. زمینه های تشکیل حکومت قراختائیان در کرمان ۴۸
- ۴-۲. دوران تاسیس حکومت قراختائیان (دوران براق حاجب) ۵۰
- ۴-۳. دوران تثبیت حکومت قراختائیان (۶۵۹-۶۳۲ ه.ق) ۵۵
- ۴-۳-۱. دوره یکساله حکومت قطب الدین (۶۳۳-۶۳۲ ه.ق) ۵۵
- ۴-۳-۲. دوران رکن الدین خواجه جق (۶۵۰ ه.ق-۶۳۳) ۵۷
- ۴-۳-۳. وقایع دوره دوم حکومت قطب الدین (۶۵۵-۶۵۰ ه.ق) ۶۱
- ۴-۴. عصر زین قراختایان (دوران ترکان خاتون ۶۸۱-۶۵۵ ه.ق) ۶۵
- ۴-۴-۱. نظام اداری قراختایان ۷۲
- ۴-۵. دوران ضعف و انحطاط حکومت قراختایان (۷۰۲-۶۸۱ ه.ق) ۷۳

- ۷۳ ۴-۵-۱. دوران جلال الدین سیورغتمش (۶۹۱-۶۸۱).....
- ۷۸ ۴-۵-۲. دوران صفوه الدین پادشاه خاتون (۶۹۴-۶۹۱).....
- ۸۲ ۴-۵-۳. دوران محمد شاه بن الحجاج (۷۰۱-۶۹۴).....
- ۶-۴. انقراض حکومت قراختایان، دوران قطب الدین
- ۸۵ شاه جهان (۷۰۳-۷۰۲ ه ق).....
- ۸۷ ۴-۷. کرمان بعد از قراختایان.....

بخش دوم: اقدامات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و عمرانی قراختایان کرمان

فصل پنجم: روابط سیاسی قراختایان کرمان

- ۹۰ ۵-۱. قراختایان و قاآنان مغول.....
- ۹۳ ۵-۲. قراختایان وایلخانان.....
- ۹۴ ۵-۳. قراختایان و ملوک هرمز.....
- ۹۹ ۵-۴. قراختایان و اتابکان سلغری فارس.....
- ۱۰۲ ۵-۵. قراختایان و ملوک شبانکاره.....
- ۱۰۵ ۵-۶. قراختایان و اتابکان یزد.....

فصل ششم: اقدامات فرهنگی قراختایان

- ۱۰۷ ۶-۱. وضعیت فرهنگی قرن هفتم هجری.....
- ۱۰۸ ۶-۲. مدارس کرمان قبل از قراختایان.....
- ۱۰۸ ۶-۲-۱. مدرسه عصمتیه (ترکان خاتون) و موقوفات آن.....

- ۱۱۰ ۲-۲-۶. استادان مدرسه
- ۱۱۷ ۳-۶. ادبیات وشاعران دوره قراختایی
- ۱۲۳ ۴-۶. عرفان وتصوف
- ۱۲۶ ۵-۶. تاریخ وتاریخ نگاری
- ۱۳۰ ۶-۶. میراث فرهنگی قراختائیان(وقف نامه بی بی ترکان)

فصل هفتم : اقدامات اقتصادی وعمرانی قراختائیان

- ۱۳۳ ۱-۷. اوضاع اقتصادی
- ۱۳۴ ۲-۷. وقف ودلائل موقوفات
- ۱۳۶ ۳-۷. اقدامات اقتصادی
- ۱۴۰ ۴-۷. اقدامات عمرانی
- ۱۴۱ ۱-۴-۷. سبک معماری ایلخانان
- ۱۴۲ ۲-۴-۷. قبه سبز(آرامگاه قراختائیان کرمان)
- ۱۴۴ ۳-۴-۷. دیگر اقدامات عمرانی
- ۱۵۰ نتیجه گیری
- ۱۵۲ فهرست منابع
- ۱۶۳ پیوست ها

مقدمه:

قراختائیان از اقوام ترکستان بودند که تحت فشار چینی‌ها مجبوره مهاجرت به مناطق غربی شدند. آنها در این مناطق به غرب ترکستان یعنی نواحی شمالی سیحون سلطه یافتند و تختگاه خود را در شهرهای کاشغر، المایغ، فرغانه قرار دادند. به تدریج سلطه خود را به درون ماوراءالنهر گسترش دادند. ضعف حکومت قراختائیان که بر بخش عمده ماوراءالنهر و شمال سیحون مسلط شده بودند، موجب تسریع در گسترش متصرفات آنها شد.

اوج گیری قدرت آنها در ربع دوم قرن ششم مصادف با قدرت گیری سنجر سلجوقی در ماوراءالنهر بود ناگزیر این دو قدرت در برابرهم قرار گرفته و در جنگ قطوان ۵۳۶ (ه.ق) سلطان سنجر سلجوقی شکست خورد و بخشی از متصرفات او در ماوراءالنهر از دستش خارج گردید. این اتفاقات همزمان بود با قدرت گیری خوارزمشاهیان و انوشترکین در خوارزم بود. وجود دشمن مشترک (سلجوقیان) دو قدرت محلی قراختائی و خوارزمی رابه هم نزدیک ساخت. به دلیل عدم تثبیت پایه های قدرت خوارزم او به زودی تابعیت قراختائیان را پذیرفت و سالانه مقرری به گورخان قراختایی می پرداخت.

پرداخت مال سالیانه تحت تأثیر مسایل منطقه و تحولات داخلی هر یک از دو قدرت بود. به این معنی که هرگاه قراختائیان رفتاری نظامی در منطقه ای پیدا می کردند زمینه برای عدم پرداخت آن از سوی خوارزمیان فراهم می شد و یا برعکس هرگاه خوارزمیان به کمک نظامی نیاز داشتند با استمداد از قراختائیان با تمديد و افزایش مال پرداختی موافقت می کردند.

براق حاجب و برادرش خمیدبور از جمله عوامل مالیاتی قراختائیان بودند که در دوره سلطان تکش برای اخذ وجوه مقرر به دربار گرگانج آمدند و به درخواست سلطان خوارزمشاه در آنجا ماندگار شدند و به مقام حاجبی نایل شد و برادرش نیز به مقام امارت رسید. در دوره سلطنت سلطان محمد براق حاجب به عنوان عامل حکومت به نزد شاهزاده غیاث الدین پیرشاه رفت و

در واقعه‌ی هایلّه مغول به ویژه پس از تشکیل موج اول تهاجم و عزیمت غیاث الدین به اصفهان، براق حاجب به عنوان نایب او در کرمان باقی ماند و بازگشت سلطان جلال الدین از هند به ایران و شکست غیاث الدین از برادرش پایه‌های حکومت براق را در کرمان تثبیت کرد. زیرا براق اولاً به هنگام ورود سلطان به کرمان از او پذیرایی کرد و دختر خود را به زنی سلطان داد و از سوی او به عنوان نایب در کرمان منصوب گردید. سلطان به دلیل گرفتاری در گرجستان، آذربایجان، روم و مهمتر از همه یورش‌های تعقیبی مغولان نتوانست به طور جدی جلو حکومت مستقل براق را سد کند.

براق نیز که فردی باهوش بود اطاعت مغولان را پذیرفت و مانع ورود آنها به کرمان و تخریب گسترده این سرزمین شد.

براق به خوبی درک کرده بود که حکومت در کرمان علاوه بر کسب حمایت نظامی مغولان مستلزم حمایت معنوی خلیفه نیز می‌باشد از این رو او توانست با آنها نیز روابط حسنه‌ای برقرار سازد و از آنها لوازم منشور حکومت بگیرد.

هر چند براق از کارگزاران خوارزمی بود. اما یک اتفاق توانست او را از کارگزاران خوارزمی در نزد کرمانیان مجزا سازد و آن این بود که بر اثر یورش مغول و فرار سلطان جلال الدین به هند، براق نیز در صدد برآمد با تعدادی اندک از پیرامونیان خود از طریق مکران به هند برود اما طمع شجاع الدین ابوالقاسم حکمران کرمان در اموال او به درگیری محدود بین آنها انجامید. براق در یک نبرد حساب شده و به قول جوینی، «حرب بسنجیده» بر شجاع الدین غلبه کرد و توانست پایتخت کرمان یعنی گواشیر را تصرف کند و پایه اولیه حکومت خود را بنا نهاد که بعد با غیاث الدین و بعد جلال الدین مرتبط گردید.

به هر حال، براق در یک دوره بی‌ثباتی مفرط سیاسی و نظامی در کرمان به قدرت رسید و پایه یک حکومت موروثی را بنا نهاد که هشتاد و اندی سال طول کشید. جانشینان او نیز سیاست‌های مدبرانه‌ی او را دنبال کردند. حکومت قراختانیان از این نظر مهم نیز است که دو حاکم زن

نیز در بین شان ظهور کردند که اوج دوران طلایی قراختائیان نیز در زمان یکی از این دو بانوی حکمران بود و آنها توانستند با فراز و نشیب هایی حکومت خود را پایه پای ایلخانان تداوم بخشند هر چند تابع آنها بودند اما از مرمت و آبادانی شهر کوتاهی نکردند.

واقعیت آن است که پژوهش درباره اقوام و حکومت هایی که ریشه ترکی دارند بسی دشوار است زیرا خاستگاه اولیه آنها ترکستان بوده و منابع اسلامی اطلاعات اندکی درباره آنها ارائه می دهند. با توجه به اینکه قراختائیان در بخشی از قلمرو چینیان می زیستند و با فرهنگ آنها اختلاط یافته بودند، اطلاعات اندکی در منابع اسلامی آمده است. یافتن خاستگاه آنها در متون چینی برای پژوهشگران ایرانی تقریباً امری محال شده است. از سوی دیگر، پژوهشگران غربی نیز آن طور که باید و شاید هم شان را معطوف قراختائیان نساخته بیشتر به ترک شناسی روی آورده اند. از این رو درباره قراختائیان مطالعات اندکی صورت پذیرفته است. از این میان قراختائیان کرمان نیز علاقمندان چندانی ندارند. پژوهش درباره موضوعاتی این چینی مشکلات عدیده ای دارد و آن هم کمبود منابع و آگاهی از کم و کیف تحولات مربوط به آنهاست.

این پایان نامه در صدد است تا با رویکرد توصیفی به این مهم بپردازد که قراختائیان کرمان چگونه و با استفاده از چه ابزارها و عواملی توانستند حکومت نیمه مستقلی را در کرمان پایه بگذارند و بیش از هشتاد سال دوام پیدا کنند. پاسخ به این پرسش در قالب فرضیه پیشنهادی دو بخش و هفت فصل تنظیم و ارائه شده است.

بخش اول که مشتمل بر چهار فصل است علاوه بر مبانی نظری و روش تحقیق به کلیاتی درباره وضع سیاسی، اداری، اقتصادی کرمان در دوره حاکمیت سلجوقیان کرمان پرداخته است. این فصل بستری برای توصیف و تبیین چگونگی ورود و اقدامات قراختائیان کرمان است. در فصل سوم این بخش بحث مختصری درباره حضور ترکان در ماوراءالنهر (قراخانیان) و بعد قراختائیان و رابطه آنها با دولت های همجوار و نقش شان در تعیین موازنه قدرت منطقه ای پرداخته است. فصل چهارم این بخش که طولانی ترین و در عین حال

یکی از فرضیه های پرسش های مطروحه این تحقیق است، درباره تأسیس و تثبیت حکومت قراختائیان کرمان است. این فصل درباره زمینه های تأسیس و حکومت و سیاست های نظامی براق حاجب، جنگ قدرت بین قطب الدین و رکن الدین خواجه جوق، ترکان خاتون و دوران ضعف و زوال آنها در دوره جلال الدین سیورغتمش و حکومت صفوه الدین پادشاه خاتون و اوضاع آشفته پس از او پرداخته شده است. همچنین به انقراض این سلسله در زمان قطب الدین شاه جهان نیز به تفصیل اشاره شده است.

بخش دوم که در واقع مهمترین و اصلی ترین قسمت پایان نامه است در ادامه فصل هادر سه فصل اقدامات سیاسی، اقدامات فرهنگی و اقدامات اقتصادی و عمرانی تنظیم شده است. در فصل پنجم این بخش به سیاست حکمرانان قراختایی در ارتباط با قدرت های منطقه ای و راهکارهای سیاسی آنان برای نجات حکومت شان از بحران ها پرداخته و اینکه چگونه اختلافات داخلی زمینه مداخله ایلخانان را فراهم می ساخت. همچنین در این فصل به روابط قراختائیان با ملوک هرمز قدیم و جدید، اتابکان سلغری فارس و یزد و شبانکارگان نیز پرداخته شده است. همچنین به بحث رابطه با خلافت عباسی نیز اشاره شده است. در فصل ششم به اقدامات فرهنگی آنان و تأثیرشان در تثبیت موقعیت قراختائیان پرداخته شده است. مدرسه سازی، ایجاد موقوفات مهم برای مدارس، بیمارستان ها و رابطه نزدیک و دوستانه با علما و حمایت از آنها از جمله مطالبی است که می توان در این فصل یافت. همچنین در این قسمت به بحث وضعیت ادبیات فارسی در کرمان تصوف و عرفان و تاریخ و تاریخ نگاری نیز اشاره های مبسوطی شده است. در فصل هفتم به اقدامات اقتصادی و عمرانی آنها از قبیل توسعه راه ها، توسعه تجارت، نظام مالیاتی و کاروانسرا سازی، پل ها و ... پرداخته شده است. و در پایان نیز نتیجه گیری، فهرست منابع و مآخذ و پیوست ها ارائه شده است.

بخش اول: قراختائیان کرمان

فصل اول: مبانی نظری تحقیق

۱-۱. مسأله پژوهش:

قراختائیان گروهی از اقوام ترک و مغول بودند که در ترکستان ساکن بودند و بعد از شکست سلطان سنجر در نبرد قطوان در نواحی مختلف خراسان و ماوراءالنهر مستقر شدند و به تدریج در داخل ایران نفوذ پیدا کردند و دولت خوارزمشاهی هم در ابتدا تابع آنها بود و خراج سالانه پرداخت می کرد. براق حاجب هم از جانب گورخان قراختایی برای گرفتن باج سالانه نزد خوارزمشاه آمد و بعد ماندگار شد. با شروع حمله مغول خیال رفتن به هندوستان را داشت که در سال ۶۱۹ (ق.ه) زمانی که به کرمان می رسید ابوالقاسم شجاع الدین حاکم کرمان به طمع دستیابی به اموال ترکان قراختایی با آنها به مقابله پرداخت و در این نبرد براق حاجب علی رغم کمبود نفرات پیروز شد. و شجاع الدین کشته شد. براق حاجب با استفاده از آشفتگی اوضاع و نبودن یک دولت قدرتمند متمرکز بعد از حمله مغول در ایران بر کرمان مسلط شد.

براق حاجب در کرمان ابتدا حاکم نائب السلطنه غیاث الدین را داشت و با شکست خوارزمشاهیان از مغولان تغییر موضع داد و به نفع مغولان فعالیت نمود و سر سلطان غیاث الدین را به دربار ایلخانان فرستاد و خود را مطیع ایلخانان اعلام کرد از طرف او کتای به یزد و سیستان که هنوز سلطه مغول را نپذیرفته بودند لشکر کشید البته ایشان علی رغم دریافت کمک از مغولان در عرصه سیاست خارجی خود از سایر نیروهای بزرگ منطقه غافل نبودند و نماینده ای نزد خلیفه عباسی فرستاد و از سوی او لقب قتلغ سلطان دریافت کرد بعد از او فرزندش رکن الدین خواجه نیز مطیع کامل ایلخانان بود و در واقع دوران براق حاجب دوران تأسیس، و دوران قطب الدین محمد و رکن الدین خواجه جق دوران تثبیت دولت قراختایی بود.

دوران اقتدار قراختاییان در زمان یک بانوی فرمانروا یعنی ترکان خاتون بود که در کرمان روی کار آمد و با اقدامات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که انجام داد در رونق و شکوفایی شهر در این دوره

کوشیدوحتی سعی کردازطریق رابطه خویشاوندی باایلخانان پایه های حکومت خودرامستحکم کندامادرزمان جانشینان وی زمینه برای تضعیف حکومت قراختایی فراهم شدو اختلافات ودرگیری های داخلی برسرکسب قدرت مداخلات ایلخانان رادرحکومت افزایش دادوسرانجام آخرین امیر قراختایی به نام شاه جهان توسط أُلجایتو برکنارشد.

دراین پژوهش می خواهیم ضمن ارائه تصویر کاملی ازوضع سیاسی،اقتصادی و عمرانی و فرهنگی کرمان در دوره قراختایی به بررسی وتحلیل عوامل مهم در تثبیت وگسترش نفوذآنهادرکرمان بپردازیم.که باتوجه به احتمال موفقیت بسیار ضعیف براق حاجب در بدوورودبه کرمان حل این پرسش مطرح می شودکه آنهاچگونه وبا استفاده ازچه سازوکارهایی توانستندحکومت استیلایی خودراتثبیت کنندوگسترش دهند.

۱-۲. پرسش های پژوهش:

- ۱- اقدامات فرهنگی قراختائیان درجهت تثبیت قدرت و نفوذآنان درکرمان چه بود؟
- ۲- اقدامات سیاسی حکومت قراختائیان ومناسبات آنهابا قدرت های معاصر خودوایالات مجاوردرجهت تثبیت قدرت وگسترش نفوذشان درکرمان چه بود؟
- ۳- اقدامات اقتصادی و عمرانی قراختائیان درجهت تثبیت وگسترش نفوذشان درکرمان چه بود؟

۱-۳. فرضیات پژوهش:

تلاشهای فرهنگی قراختائیان ازجمله اصلاحات فرهنگی (دعوت عالمان،تأسیس مدارس،گسترش موقوفات فرهنگی) باعث تثبیت وگسترش نفوذحکومت قراختایی درکرمان شد.

مناسبات سیاسی حکومت قراختایی با قدرتهای برتر منطقه (به ترتیب: خوارزمشاهیان، عباسیان، ایلخانان) و سیاست مدارای حکومت قراختایی با ایالات مجاور موجب تثبیت و گسترش نفوذ حکومت قراختایی در کرمان شد.

اصلاحات اقتصادی حکومت قراختایی مانند ایجاد امنیت و گسترش تجارت و جذب بازرگانان و اصلاحات عمرانی مانند (ساختن سدها، تعمیرقنوات و...) باعث تثبیت و گسترش نفوذ حکومت قراختایی در کرمان شد.

۴-۱. پیشینه پژوهش:

درباره قراختائیان کارهای متعددی از زوایای مختلف صورت گرفته است اما کمتر به قراختائیان کرمان توجه شده است. تاکنون می توان مدعی شد که آثار زیردر این باره تدوین یافته است: کتابهایی که در مورد تاریخ ایران نوشته شده است از جمله *تاریخ ایران و تاریخ مغول* از عباس اقبال، *تاریخ ایران* از عبدالحسین نوایی و کتابهایی که در مورد تاریخ کرمان نوشته شده است از جمله *تاریخ کرمان* احمد علی خان وزیری، *تاریخ کرمان* محمود همت، *کرمان در گذر تاریخ* از گلاب زاده و *فرماندهان کرمان* از یحیی احمدی، فقط در چند صفحه به ذکر شاهان قراختایی و آمدورفت آنها پرداخته اند و چندان به مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... توجه نکرده اند. کتابهای نویسندگان خارجی از جمله *بارتولد*، *بارکهاوزن*، *رنه گروسه*، *قفس اوغلی*، به قراختائیان ماوراءالنهر پرداخته اند که در مبحث مربوط به اصل و منشأ قراختائیان استفاده شده است. اما در مورد قراختائیان کرمان مطلب ندارند. کتابی تحت عنوان *زنان فرمانروا در دولت های اسلامی از بحریه اوچوک* دو مقاله در مورد پادشاه خاتون و ترکان خاتون زنان فرمانروای کرمان دارد. در کتاب تاریخ ایران سرپرسی سایکس به طور مختصر به ذکر شاهان قراختایی پرداخته اما خود اعتراف می کند که چون حوزه قدرت آنها فقط محدود به کرمان بوده است بیشتر به آنها پرداخته است.

مقالات ایرانی که در این زمینه نوشته شده است بیشتر موارد خاص را در نظر گرفته و راجع به آن نوشتند به عنوان مثال مقالات متعدد با عناوین مختلف از جمله *مدرسه عصمتیه*، *مدرسه قطبیه*، *مدرسه ترکان سلجوقی و ترکان ختایی*، توسط باستانی پاریزی منتشر شده است این مقالات به ذکر یک مورد اقدام فرهنگی قراختائیان پرداخته و جنبه های دیگر را در نظر نگرفته اند. دو مقاله توسط عباس ضیایی تحت عنوان *میراث فرهنگی قراختائیان* در سال ۸۵ منتشر شده که به ذکر *قبه سبزو اساتید* مدرسه پرداخته است.

مقاله ای تحت عنوان *موقوفات خاندان قراختایی* توسط عبدالرسول خیراندیش در مجله ی یادگار منتشر شده که به بحث وقف و تأثیر موقوفات ترکان خاتون در بهبود اوضاع اقتصادی کرمان پرداخته است اما این مقاله هم تنها یک مورد از جنبه های اقتصادی را در نظر گرفته است. مقاله ای تحت عنوان *بانوی فرمانروا (قتلغ ترکان جغتایی)* پیام زن شماره ۹۳ به دوران حکومت ترکان خاتون پرداخته و اقدام فرهنگی که در زمان وی صورت می گیرد. مقاله *صفوه الدین پادشاه خاتون* از نیره اقدس صدقیانی به دوره پادشاه خاتون و شاعران دوره وی می پردازد. مقاله ای تحت عنوان *سی پاره ی قدیمی* توسط جواد مجدزاده ی صهبادر مورد وقف قرآن توسط بی بی ترکان است. مقاله ای تحت عنوان *چگونگی شکل گیری دولت قراختایی ماوراءالنهر* توسط جمشید روستا در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال ۸۷ منتشر شده است که به شکل گیری امپراتوری قراختائیان پرداخته است و در مبحث اصل و منشأ قراختائیان از آن استفاده شده است.

مقالات نویسندگان ایرانی هم یک مورد خاص از اقدامات قراختائیان را در نظر گرفته و بدان پرداخته اند و همین موارد هم ناقص است به طوری که در مقالات اقدامات فرهنگی فقط به مدرسه عصمتیه پرداخته شده است و در مورد دیگر اقدامات فرهنگی مطلب ندارند. در مورد اقدامات اقتصادی هم به وقف و موقوفات آنان پرداخته اند و به دیگر اقدامات اقتصادی توجهی نکرده اند.

۱-۵. هدف پژوهش:

بررسی جایگاه سیاسی حکومت قراختائیان و اقدامات آنها در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و عمرانی و تأثیر آن در پایگاه سیاسی قراختائیان و روشن شدن دوره ای از تاریخ کرمان است.

۱-۶. نقد منابع:

منابع اختصاصی دوره قراختائیان کرمان کم است و فقط دو اثر از این دوره است که به نقد آنها می پردازیم.

۱- کتاب *تاریخ شاهی قراختائیان* از مؤلفی گمنام که در مقدمه کتاب نام وی از سوی باستانی پاریزی مصحح اثر شهاب الدین ابوسعید ذکر شده است. این کتاب به دستور ترکان خاتون برای ثبت وضبط موقوفات وی نوشته شده، اما آن هم کامل نیست و پیوستگی بین مطالب مشاهده نمی شود و تا دوره حکومت پادشاه خاتون را در بر می گیرد. مؤلف از آثار افضل کرمانی بیشتر از بدایع الازمان استفاده کرده و در فصل مکارم ملوک عقد العلی را مورد توجه و تقلید قرار داد و پس از آن از آثار سنایی حدیقه الحقیقه و خواجه نصیرالدین طوسی استفاده کرده است. وی از مورخان و نویسندگان اهل سنت و نسبت به خلفا احترام ویژه قائل است و در زمینه عدل و داد متوکل خلیفه عباسی سخن گفته است.

۲- کتاب *سمط العلی للحضره العلیا* نوشته ناصرالدین منشی است، پدر مؤلف منتجب الدین عمده الملک یزدی در دستگاه اتابکان یزدیه سمت کتابت خدمت میکرد و در منازعات بین اتابک علاءالدوله و قطب الدین محمد همراه قطب الدین محمد به کرمان آمد و به مدت بیست و پنج سال از وزرای دربار ترکان خاتون بود. تا سال ۶۷۵ (ق.ه). تولد ناصرالدین احتمالاً در سال ۶۶۸ (ق.ه) بوده است. و بعد از مرگ پدر تحت تربیت عموی خود شهاب الدین ابوالحسن علی یزدی که او هم منصب دیوانی و دبیری داشته بوده است. و بعد از فرا گرفتن

علوم. در دستگاه بعنوان کتابت مشغول شد و در سن ۲۵ سالگی در سال ۶۹۳ (ق.ه). توسط پادشاه خاتون به ریاست دیوان رسائل و انشاء کرمان منصوب شد .

با آمدن محمدشاه وقاضی فخرالدین به کرمان از کار برکنار شد و در عراق به خدمت الجایتورفت و در سال ۷۱۵ (ق.ه) نوشتن سمط العلی را شروع کرد. انتخاب این نام تقلیدمانندی است از کتاب افضل کرمانی بنام عقدالعلی للموقف الا علی . این کتاب ذیل تاریخ شاهی تالیف خواجه شهاب الدین ابوسعید است و وقایع بعد از انقراض پادشاه خاتون را هم آورده است.

کتاب تاریخ شاهی و سمط العلی هر دو به شیوه مصنوع و نثر فنی زمان خود نگاشته شده است و شیوایی لازم را ندارند و در عین حال هر دو نویسنده در خدمت قراختائیان بودند و به تعریف و تمجید از شاهان قراختایی پرداختند و دیدانتقادی نسبت به مسائل ندارند.

از منابع دیگر تاریخ کرمان تواریخ عمومی هستند که عبارتند از: ۱- تاریخ کامل ابن اثیر (جلد ۲۰) که به ذکر مبارزات سلطان سنجر سلجوقی با قراختائیان و پیروزی آنها در نبرد قطوان پرداخته است. ابن اثیر (جلد ۲۵) به ذکر خوارزمشاهیان و جنگهای آنها با قراختائیان پرداخته. ابن اثیر (جلد ۲۷) به روی کار آمدن براق حاجب عامل غیاث الدین در کرمان اشاره کرده است که در مبحث تشکیل دولت قراختائیان استفاده شده است.

کتاب جهانگشای جوینی (جلد ۲) هم به قراختائیان ماوراءالنهر و رابطه آنها با خوارزمشاهیان پرداخته و هم در چند صفحه به ذکر شاهان قراختایی و به عنوان منبع مورد استفاده قرار گرفته است.

روضه الصفامیر خواند (جلد ۷) در چند صفحه به ذکر شاهان قراختایی پرداخته است.

حبیبالسیر خواند میر در (جلد ۳) در چند صفحه به ذکر قراختائیان

ماوراءالنهر و استقرار آنها در آسیای مرکزی و ذکر شاهان قراختایی پرداخته.